سرمقاله

دیپلماسی سازنده و عبور از تهدیدات تصاعدیابنده

ادامه از صفحه۱

... مورد استفاده قرار دادند که به موجب آن، زمینه برای انجام عملیات انفجاری در بندر شهید رجایی فراهم شد. متعاقب این امر، دیپلماسی همتای زمینه «خفاگیری راهبردی» ایران را به وجود آورد. در این فرآیند بسیاری از نهادها تأسیسات صنعتی و فرماندهان نظامی ایران مورد هدف موشک‌ها و هواپیماهای اسرائیل و ایالات متحده قرار گرفتند. تمامی موارد یاد شده بیانگر آن است که حوزه دیپلماسی ایران در روند ۵ دور از مذاکرات شناخت دقیق و موقعیت موثری نسبت به اهداف، الگوهای رفتاری و انگاره‌های راهبردی امریکا به دست نیاوردند.

در شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه نیز انگاره‌های متفاوتی درباره «عامد دیپلماسی» مطرح شد. تمامی کارگزاران دیپلماتیک و نظریه‌پردازان به این موضوع وقف هستند که دستور کار دیپلماتیک بر اساس معادله قدرت و موازنه ساختاری حاصل می‌شود. بهره‌گیری از شعارهای دیپلماتیک، منجر به حاشیه‌ای شدن واقعیت‌های راهبردی می‌شود. به همان گونه‌ای که ایران در ۵ دور از مذاکرات همتای با امریکا نتوانست راهبرد واقعی ایالات متحده و اسرائیل که مبتنی بر خاتگیری دیپلماتیک بوده را مورد توجه و شناسایی قرار بدهد. در چنین شرایطی ادامه قرارداد یاد شده، چالش‌های بیشتری را برای امنیت ملی ایران در آینده به وجود خواهد آورد. مصاحبه تلویزیونی وزیر محترم امور خارجه جمهوری اسلامی درباره «سنب بک» و «روند برگشت‌پذیری تحریم‌های اقتصادی و راهبردی شورای امنیت سازمان ملل» بیانگر آن است که موج‌های جدید کنش راهبردی اروپا تأثیر جدّی در اقتصاد سیاسی، ساختار اجتماعی و قابلیت‌های عمومی ایران به جا نخواهد گذاشت. ایشان در مصاحبه تلویزیونی، به این اشاره داشتند که: «در مورد مکانیسم ماشه بزرگنمایی شده بر فرض فعل شدن مکانیسم ماشه، تحریم‌های اقتصادی جدیدی اضافه نمی‌شود و از لحاظ اقتصادی با وضع فعلی تفاوتی نخواهد داشت.»

بیان چنین رویکردی به مفهوم آن است که وقعیت سیاسی و اقتصادی سال‌های پس از قطعنامه ۱۹۲۹ را فراموش کرده یا اینکه احساس می‌کنیم تحریم‌های سازمان ملل یا تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده که فاقد هرگونه مشروعیت نهادی، سازمانی، قانونی و ساختاری است، آثار یکسانی بر شکل‌بندی اقتصادی و سیاسی ایران به جا خواهد گذاشت. در چنین شرایطی لازم است تا روند کنش دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای راهبردی ایران در فضای ساختاری جدیدی قرار گرفته که درک موسمی، دقیق‌تر و موثرتری در مقایسه با انگاره‌های جاری و پیشین داشته باشد.

۱- ضرورت‌های کنش دیپلماتیک در شرایط تهدید امنیتی

همواره دیپلماسی در زمره ضرورت‌های کنش راهبردی کشورها برای حداکثرسازی امنیت بوده است. هر کشوری در فرآیند کنش دیپلماتیک از سازوکارهای سیاسی و ساختاری خاصی بهره می‌گیرد. سازوکارهای کنش دیپلماتیک، بدون ابزارهای قدرت یا بازیگر حقیقی در قالب میانجی نمی‌تواند نتایج مثبت و سازنده‌ای برای کشورها داشته باشد. تفتن‌یابی چین در فرآیند کنش دیپلماتیک ایران از این جهت اهمیت دارد که هرگونه مناکره تفتن‌یابی و توافق بر اساس راهبردهایی انجام می‌شود که با ضرورت‌های امنیت منطقه‌ای و قواعد مرتبط با برجام در سال‌های ۱۵-۲۰۱۳ ارتباط درهم‌تنیده‌ای خواهد داشت. کنش دیپلماتیک در شرایط موجود ایران و نظام بین‌الملل، تابعی از اهداف، قابلیت‌ها و ابزارهایی است که هر یک از کشورها و بازیگران برای واداری دیگری به انجام تعهدات جدید از آن بهره می‌گیرند. ارتقای سطح کنش دیپلماتیک ایران بر اساس میانجی‌گری چین، مطلوبیت بیشتری را برای امنیت و ثبات منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد. دیپلماسی در قالب تفتن میانجی چین فاتر خواهد بود تا زمینه‌های لازم برای توافقی را به وجود آورد که سطح فراگیرتری از امنیت را برای ایران و محیط منطقه‌ای ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر می‌توان تأکید داشت که مناکره و کنش دیپلماتیک در فضای میانجی‌گری یکی از قدرت‌های بزرگ سیاست بین‌الملل صرفاً ماهیت دیپلماتیک ندارد. دیپلماسی در چنین سطحی به عنوان بخشی از ضرورت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی در شرایط تصاعد تهدیدات راهبردی خواهد بود. هرگاه موضوعی دارای آثار امنیتی باشد، در آن شرایط لازم است تا مورد توجه کارگزارانی قرار بگیرد که تفتن موثرتری در حوزه کنش راهبردی و ضرورت‌های امنیت ملی ایران داشته باشد. تفتن‌یابی شورای عالی امنیت ملی ایران در حوزه دیپلماسی همتای در بسیاری از مواقع منجر به موقعیت سیاسی برای ایران شده و این امر توانست تهدیدات ترویجی اروپا را در سال ۲۰۰۳ به میزان قابل توجهی کاهش دهد. دیپلماسی همتای ایران در این دوران تاریخی، همچنین منجر به کاهش ضریب کنش تهاجمی امریکا علیه ایران در دوران جورج بوش پسر گردید. با توجه به چنین فرآیندی می‌توان نشانه‌هایی از تهدیدات امنیتی در عصر موجود را به عنوان واقعیت ساختاری کشور دانست.

۲- همبستگی دیپلماسی و امنیت ملی در عصر ابهام و عدم اطمینان

در شرایط موجود نشانه‌هایی از ابهام و عدم اطمینان در فضای سیاست بین‌الملل در ارتباط با امنیت ملی ایران وجود دارد. روسیه و چین به این موضوع وقف هستند که انسجام سیاسی و ساختاری ایران تفتن موثری در امنیت منطقه‌ای، ثبات ژئوپلیتیکی و فرآیندهای کنش راهبردی آینده خواهد داشت. در فضای موجود سیاست بین‌الملل نمی‌توان از الگوی کنش مبتنی بر ریسک و ابهام فزاینده بهره گرفت. به همان‌گونه که ایران در عصر موجود نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای تولید قدرت و متقاومت در فضای منطقه‌ای است. لازم است تا سازوکارهایی در حوزه دیپلماتیک نیز به کار گرفته شود که تفتن موثری در بازتولید قدرت و متقاومت تاکتیکی ایران برای اجتناب از جنگ جدید داشته باشد. دیپلماسی در عصر ابهام و عدم اطمینان امنیتی اثر منجر به کاهش تهدیدات برای ایران و نظم منطقه‌ای شود. طبیعی است که بیشترین مازاد راهبردی برای آینده سیاسی ایران و منطقه حاصل خواهد شد. عدم درک دقیق واقعیت‌های راهبردی به مثابه شرایطی است که چالش‌های امنیتی بیشتری را برای کشورها به وجود می‌آورد. به همین دلیل است که پیوند دیپلماسی و متقاومت می‌تواند زمینه لازم برای کاهش تهدیدات راهبردی علیه ایران و بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ را فراهم آورد.

اولین شرط کنش دیپلماتیک در فضای تهدیدات فزاینده موجود آن است که زمینه برای کاهش چالش‌های امنیتی و راهبردی ایران به وجود آید. به کارگیری چنین الگویی را می‌توان به مثابه بخشی از «مشروعیتی تقاه» در شرایط ابهام امنیتی و تهدیدات فزاینده دانست. تفتن‌یابی احتمالی چین در مذاکرات آینده ایران و امریکا به موازات دیدار هفته آینده ترامپ و پوتین از این جهت اهمیت دارد که سطح جدیدی از «اطمینان‌بخشی دیپلماتیک و راهبردی» را فراهم می‌سازد.

کنش دیپلماتیک در شرایطی می‌تواند برای امنیت ملی کشورها به نتایج موثری در جهت موازنه ثبات و تعادل منجر شود که شناخت دقیقتی نسبت به تهدیدات و کارگزاران تهدیدکننده وجود داشته باشد. عدم شناخت تهدید را می‌توان در زمره عواملی دانست که چالش‌های امنیتی فراروی ایران را افزایش داده به گونه‌ای که زمینه برای گسترش بحران به وجود آید. ضرورت‌های تحقق استراتژیکی تقاا ایجاب می‌کند که ایران در فضای موجود راهبردی و به موازات تغییر در ساختار نظامی و امنیتی کشور، از سازوکارهایی استفاده کند که منجر به ارتقای سطح آرایشی دیپلماتیک و راهبردی ایران از طریق سازوکارهای مسالمت‌آمیز شود. الگوی کنش راهبردی ایران در فضای پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه معطوف به متقاومت در برابر تهدیدات و مصالحه از طریق کنش دیپلماتیک خواهد بود. در چنین شرایطی، تجارب تاریخی دیپلماسی ۵ ماه گذشته و ضرورت‌های آینده امنیتی ایران ایجاب می‌کند که راهبرد کارگزاران و نهادهایی مسوولیت انجام چنین وظایف و ماموریتی را عهده‌دار شوند که اولا دارای انگاره‌های راهبردی بوده و ثانیا از اعتبار ساختاری و سازمانی بیشتری در روند مذاکرات سه جانبه و دیپلماسی همتای آینده برخوردار باشند. واقعیت آن است که مذاکرات پیش‌رو صرفا ماهیت دیپلماتیک نداشته و بخشی از ضرورت‌های راهبردی و امنیتی ایران را منعکس می‌سازد. عبور شرافتمندانه از فضای ابهام و بحران منطقه‌ای در شرایطی حاصل می‌شود که کارگزاران از شناخت دقیقتر و نوپدیدی بیشتری نسبت به موضوعات راهبردی برخوردار باشند. در غیر این صورت زمینه برای غافلگیری جدید یا ابهام راهبردی نوینی به وجود می‌آید که نتایج پرمخاطره‌ای برای امنیت و ثبات سیاسی ایران خواهد داشت.»

ابراهیم متقی
استاد دانشگاه تهران
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

هشدار جهانی به اشغال غزه؛ بحران انسانی در کمین

اختصاصی پیام آشنا - تصمیم کابینه رژیم صهیونیستی برای اشغال کامل شهر غزه، نه‌تنها موجی از اعتراضات جهانی را برانگیخته بلکه حتی در داخل این رژیم نیز با مخالفت‌های جدی سیاسی و نظامی مواجه شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد این اقدام، هم تهدیدی جدی برای غیرنظامیان فلسطینی و هم عامل تضعیف جایگاه بین‌المللی اسرائیل خواهد بود. وزیران امور خارجه انگلیس، آلمان، ایتالیا، استرالیا و نیوزیلند در بیانیه‌ای مشترک طرح اشغال غزه را رد کرده و خواستار اصلاح فوری سازوکارهای امدادرسانی شدند. اتریش و کانادا نیز صراحتاً از ضرورت برقراری آتش‌بس فوری سخن گفتند. نخست‌وزیر ایتالیا هشدار داد که این تصمیم به تشدید خشونت و رنج مردم فلسطین منجر می‌شود. مقاماتی چون یائیر گولان، رئیس حزب «موکرات» و گادی شامنی، ژنرال بازنشسته ارتش این طرح را «حکم اعدام برای اسیران اسرائیلی» و اقدامی بی‌فایده برای شکست حماس دانستند. آنها هشدار دادند که این مسیر نه‌تنها به هدف نظامی نمی‌رسد، بلکه اقتصاد و مشروعیت بین‌المللی اسرائیل را به‌شدت تضعیف می‌کند. با وجود تعویق نشست اضطراری شورای امنیت به یکشنبه، کشورهای متعددی از جمله روسیه، چین، الجزایر و چند دولت اروپایی خواستار بررسی فوری موضوع شده‌اند. منابع دیپلماتیک می‌گویند این اقدام بخشی از تلاش فزاینده برای مهار تشدید تنش‌ها توسط تل‌آویو است.

ابعاد انسانی و رسانه‌ای بحران

گزارش‌های میدانی از غزه، علاوه بر کشتار غیرنظامیان، از هدف قرار گرفتن سیستماتیک خبرنگاران خبر می‌دهد. بیش از ۲۳۰ خبرنگار و فعال رسانه‌ای در ماه‌های اخیر جان باخته‌اند و دهها دفتر رسانه‌ای تخریب شده است. همزمان، ورود خبرنگاران خارجی به غزه ممنوع مانده و تنها تعداد معدودی تحت کنترل ارتش اسرائیل اجازه ورود یافته‌اند. نهادهای بین‌المللی این اقدامات را نقض آشکار آزادی رسانه‌ها توصیف کرده‌اند.

موضع ایران: اشغال غزه، جنایت جنگی تمام‌عیار

سخنگوی وزارت خارجه ایران این طرح را «ادامه سیاست نسل‌کشی» دانسته و از سازمان همکاری اسلامی خواسته نشست اضطراری برگزار کند. جنبش حماس نیز در بیانیه‌ای، اشغال غزه و کوچ اجباری ساکنان آن را «جنایت جنگی تمام‌عیار» خوانده و آمریکا را مسئول کامل جنایات اسرائیل معرفی کرده است.

موضع کشورهای عربی و اسلامی

همزمان با افزایش فشارهای دیپلماتیک بر تل‌آویو، بیش از ۲۰ کشور عربی و اسلامی در بیانیه‌ای مشترک طرح اسرائیل برای «اعمال کنترل کامل نظامی بر نوار غزه» را محکوم کردند. در این بیانیه که مصر، عربستان سعودی، قطر، اردن، بحرین، ترکیه، امارات متحده عربی و عمان نیز از امضاکنندگان آن هستند، این اقدام «تشدید خطرناک و غیرقابل قبول»، «نقض آشکار قوانین بین‌المللی» و «جنایت علیه بشریت» توصیف شده است.

این کشورها هشدار دادند که اشغال کامل غزه نه‌تنها فرصت‌های دستیابی به صلح را از بین می‌برد بلکه تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش تنش و پایان دادن به درگیری را تضعیف خواهد کرد. گزارش‌ها حاکی است که حتی در داخل اسرائیل نیز این طرح با مخالفت شدید رئیس ستاد کل ارتش و هشدارهای متعدد در جلسه کابینه امنیتی روبه‌رو شده است.

این حجم از محکومیت‌ها نشان می‌دهد که اسرائیل بیش از هر زمان دیگری در عرصه دیپلماسی منزوی شده است. حتی بخشی از نخبگان سیاسی و نظامی این رژیم نسبت به پیامدهای طرح نتانیاهو هشدار می‌دهند. با این حال، تداوم حمایت برخی قدرت‌ها و فقدان سازوکار الزام‌آور برای توقف عملیات نظامی، همچنان مانع اصلی مهار بحران به شمار می‌رود. در چنین شرایطی، خطر تشدید بحران انسانی در غزه بیش از پیش جدی است.

سردار هداوند خبر داد

زمین گیر شدن سارقان مسلح در عملیات پلیس فردیس

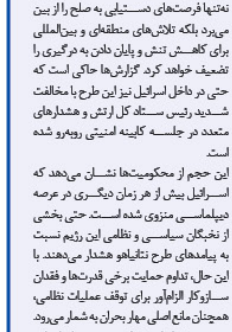

فرمانده انتظامی البرز از زمین‌گیر شدن باند سارقان مسلح در عملیات تعقیب و گریز مامورین یگان امداد شهرستان فردیس خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، در روز شنبه ۱۸ مرداد، سردار حمید هداوند گفت: مامورین انتظامی فردیس در حین گشت‌زنی در حوالی پارک تندرستی شهر فردیس به سرنشینان یک دستگاه خودرو پژو پارس مشکوک و دستور توقف آن را صادر می‌کنند.

وی افزود: سرنشینان این خودرو به محض مشاهده پلیس بدون توجه به دستور ایست پا به فرار گذاشته و برابر استعلام صورت گرفته مشخص می‌شود خودرو مذکور دارای پلاک تقلبی بوده و سرقتی است که در تعقیب و گریز چندین کیلومتری پلیس و سارقان این افراد با سلاح گرم به سمت مامورین شلیک و مامورین در آتش متقابل موفق به زمین کردن سه نفر از سارقان می‌شوند.

فرمانده انتظامی استان البرز اضافه کرد: در بازرسی از خودرو این افراد یک قبضه سلاح کلت کمری و میزان قابل توجهی اموال مسروقه کشف شده است.

سردار هداوند با اشاره به اینکه تحقیقات در زمینه سرقت‌های شکل گرفته توسط این باند سرقت آغاز شده است، خاطرنشان کرد: اطلاعات تکمیلی در خبرهای بعدی به اطلاع شهروندان خواهد رسید.

وی در پایان به شهروندان توصیه کرد: به منظور ارتقاء امنیت خود و شهروندان باید تمامی موارد مشکوک به پلیس اطلاع داده شود تا ضریب امنیت شهر ارتقاء پیدا کند.

«کریدور زنگزور»؛ مسیر تازه یا دام ژئوپلیتیکی برای ایران؟

توافق ارمنستان و آذربایجان برای ایجاد کریدور زنگزور با مدیریت ۹۹ ساله آمریکا، سناریوهای تازه‌ای را پیش روی ایران قرار داده است. این مسیر می‌تواند توازن ژئوپلیتیکی شمال‌غرب را دگرگون کند و تهران را ناچار به بازآرایی دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی در قفقاز سازد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، تحولات اخیر در قفقاز جنوبی با اعلام توافق میان ارمنستان و آذربایجان برای ایجاد «کریدور زنگزور» با میانجی‌گری مستقیم آمریکا می‌تواند تغییراتی مهم در محیط پیرامونی ایران ایجاد کند. واگذاری ۹۹ سالهٔ حق انحصاری مدیریت این گذرگاه به آمریکا ظرفیت حضور پایدار ولشنگتن را در نقطه‌ای استراتژیک میان سه بازیگر کلیدی یعنی ایران، روسیه و ترکیه فراهم می‌آورد. با این حال، پیامدهای این اقدام برای ایران هنوز در قالب احتمالات و سناریوهای متفاوت مطرح است و نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان یک تهدید قطعی تلقی کرد.

ابعاد ژئوپلیتیکی احتمالی

کریدور زنگزور، در صورت اجرا، می‌تواند آذربایجان را به نخجوان و از آنجا به ترکیه متصل کند، بدون عبور از خاک ایران. این تغییر، بسته به نحوهٔ مدیریت ایران در حوزه‌های دیپلماتیک و اقتصادی، ممکن است منجر به کاهش سهم تهران در ترانزیت منطقه شود یا در صورت بهره‌گیری هوشمندانه، به فرصتی برای تعریف مسیرهای جایگزین و توافقات چندجانبه تبدیل گردد. در سناریوی بدبینانه، ایران به مسیر قابل جایگزین بدل می‌شود، اما در سناریوی میانه، امکان دارد با توسعه همکاری‌های ترانزیتی از طریق ارمنستان، گرجستان یا حتی مسیرهای دریایی، جایگاه خود را حفظ کند.

ابعاد امنیتی و سیاسی محتمل

مدیریت آمریکایی این گذرگاه در بلندمدت می‌تواند بسترفعالیت‌های اطلاعاتی و لجستیکی ناتو را در حاشیهٔ شمال‌غرب ایران فراهم آورد، اما این نیز مشروط به نوع حضور و میزان وابستگی کریدور به زیرساخت‌های نظامی خواهد بود. لذو محدودیت همکاری نظامی آمریکا با باکو ممکن است موجب افزایش توان دفاعی آذربایجان شود که می‌تواند بر موازنه قوا تأثیر بگذارد. با این حال، ارمنستان و باکو هر دو همچنان درگیر حساسیت‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی هستند و اجرای کامل این سناریو ممکن است با موانع سیاسی روبه‌رو شود.

راهبردهای پیشنهادی برای ایران

با توجه به ماهیت احتمالی پیامدهای این توافق، ایران می‌تواند اقداماتی چندلایه را در دستور کار قرار دهد:

• دیپلماسی فعال قفقازی: افزایش رایزنی با ارمنستان و آذربایجان به‌منظور تأمین منافع متقابل و جلوگیری از حذف کامل ایران از معادلات ترانزیتی.

• توسعه مسیرهای جایگزین: سرمایه‌گذاری فوری در کریدورهای ترانزیتی مانند مسیر خزر-قفقاز-اروپا یا اتصال ریلی به گرجستان، برای کاهش آسیب‌پذیری.

• اتلاف‌سازی منطقه‌ای: همکاری با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی برای تعریف پروژه‌های مشترک که حضور ایران را در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای تثبیت کند.

• اقدامات امنیتی پیشگیرانه: تقویت ظرفیت اطلاعاتی و مرزبانی در شمال‌غرب به‌ویژه در حوزه رصد تحرکات لجستیکی و زیرساختی.

• ابزارهای اقتصادی و نرم: استفاده از دیپلماسی انرژی، صادرات برق و گاز، و همکاری در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی برای ایجاد پیوندهای بلندمدت با همسایگان شمالی.

کریدور زنگزور در وضعیت فعلی بیشتر یک پروژه بالقوه است تا یک واقعیت تثبیت‌شده. میزان تأثیر آن بر جایگاه ژئوپلیتیکی ایران وابسته به چگونگی واکنش و ابتکار عمل تهران خواهد بود. اگر ایران این تحول را صرفاً به‌عنوان تهدید ببیند و رویکرد منفعلانه اتخاذ کند، احتمال کاهش نفوذ و نقش‌آفرینی وجود دارد؛ اما در صورت بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، ترانزیتی و امنیتی، این تغییر می‌تواند به فرصتی برای بازآرایی راهبردی و حتی تقویت موقعیت ایران در قفقاز تبدیل شود.

منبع آگاه: مذاکرات ایران و آژانس در سطح کارشناسی و فنی انجام می‌شود

یک منبع سیاسی بلندپایه در ایران اعلام کرد که سفر پیش‌روی هیأت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران از قبل برنامه‌ریزی‌شده و یک رویداد خارج از برنامه نیست؛ لذا تصمیم و توافق مشخصی در جریان این سفر حاصل نخواهد شد.

به گزارش پیام آشنا، یک منبع سیاسی بلندپایه ایرانی به خبرگزاری رایتوسوسی گفت که سفر هیأت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران یک سفر برنامه‌ریزی‌شده است و در جریان مذاکرات، تصمیم مشخص و سرنوشت‌سازی اتخاذ نخواهد شد. این منبع تأکید کرد که تهران همچنان به حمایت آژانس از دولت‌هایی که به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرده‌اند، انتقاد شدید دارد.

پیش‌تر وزارت امور خارجه ایران اعلام کرده بود که نمایندگان آژانس طی ۲ هفته آینده به ایران سفر خواهند کرد. در چارچوب این سفر، مقامات ایران درباره قالب‌های بعدی همکاری با آژانس گفت‌وگو خواهند کرد.

این منبع افزود: «سفر معاون مدیرکل آژانس به تهران یک سفر برنامه‌ریزی‌شده است و تاکنون بیش از ۱۰ بار دیدارهایی مشابه چه در تهران و چه در وین برگزار شده است. طبق برنامه سفر، مذاکرات در سطح کارشناسی و فنی انجام خواهد شد و چند موضوع بررسی می‌شود، اما این سفر اتخاذ هیچ تصمیم مشخصی را در بر ندارد.»

پیش‌تر «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس گفته بود که تهران بر ریاست آژانس اعلام کرده آماده ازسرگیری مشورت‌های فنی با این نهاد است. او همچنین تأکید کرد بود که آژانس بر بازگشت بازرسان خود به ایران برای ازسرگیری سریع فعالیت‌ها در تأسیسات هسته‌ای کشور اصرار دارد.

«مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور ایران در ماه گذشته فرمانی را برای اجرای قانونی صادر کرد که همکاری با آژانس را متوقف می‌کند. «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران نیز پیش‌تر گفته بود که با وجود تصمیم ایران برای تعلیق همکاری با آژانس، مسیرهای همکاری همچنان بسته نشده است.

به گفته مقامات ایرانی، شرط ازسرگیری همکاری‌ها، تضمین امنیت تأسیسات هسته‌ای و دانشمندان هسته‌ای ایران است. این توقف همکاری در پی انتقاد تهران از آژانس و مدیرکل آن به دلیل سکوت در برابر حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای فردو، اصفهان و نطنز انجام شد.

یادداشت

جنگ‌فراترکیبی!

۱- امروز جنایات صهیونیسم به اندازه‌ای است که متفوترین رژیم در جهان، اسرائیل غاصب است. قدرت‌های غربی به سرکردگی آمریکا با بی‌چشم‌پوریی پشت همه این جنایات ایستاده‌اند و اینایی از هزینه‌های حیثیتی، حقوقی، نظامی و حتی ایدئولوژیک آن ندارند.

۲- ۱۲ روز یک نبرد واقعی بین ایران و رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد. استراتژیست‌های سیاسی و نظامی جهان از آن به عنوان یک «جنگ فراترکیبی» یاد می‌کنند. ظاهر این نبرد جنگ اسرائیل با ایران بود اما باطن آن همه استعداد نرم و سخت ناتو به سرکردگی آمریکا و همه کشور اروپایی در این نبرد نابرابر به کار گرفته شد.

جنگ ترکیبی چیست؟ فراتر از آن کدام است؟

اجلاس امنیتی مونیخ، ۸ مورد را جزء ملزومات جنگ ترکیبی معرفی کرده است. جنگ سایبری، جنگ اقتصادی، جنگ دیپلماسی، جنگ جریکی، حمایت از شورش‌ها یا پدیداری شورش‌های مصنوعی، جنگ کلاسیک، جنگ دیجیتالی و...

فراتر از این جنگ می‌شود. جنگ در همه زمان‌ها، مکان‌ها و عرصه‌ها ملت ایران پیروز جنگی بوده است که امروز همه ناظران جهانی به مطالعه ابعاد و مختصات آن مشغول هستند. ما گرفتار نبردی با آمریکا هستیم که بی‌وقفه در همه عرصه‌ها ادامه دارد. دشمن لحظه‌ای از آسیب‌زدن به ملت ما را از دست نمی‌دهد.

در جنگ فراترکیبی، آمریکا از آخرین دست‌آوردهای علمی و فنی و فناوری‌های هوشمند دستکاهپ پتاگون، شرکت‌های بزرگ آمریکایی در زمینه ماهواره، رادیابی سیگنالی، شنود مخابرات، مخابرات کوانتومی و هوش مصنوعی، تصویربرداری پیشرفته هوایی و شبکه‌سازی اجتماعی و... استفاده کرد. نتیجه چه شد؟ همان هفته اول دست‌ها را بالا بردند. توسط چند کشور پیشنهاد آتش‌بس دادند! امروز همان سیاسیون و نظامیانی که زمانی فرمان حمله به ایران را صادر کردند، نشسته‌اند ضربات کوبنده، ویرانگر و بیچاره‌کننده نیروهای مسلح ما در نقطه‌زنی توانایی‌هایی که در حیفا، تل‌آویو و دیگر مناطق اشغالی وجود داشت، را احساس کنند.

۳- تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی فرصتی شد که ناظران جهانی و برخی غافلان داخلی؛ سرمایه اجتماعی انقلابه نبوغ رهبری در مدیریت بحران و از همه مهم‌تر وزن «قدرت ملی» را تمام‌قد به تماشا بنشینند.

سرعت عمل، هوشیاری، بهنگام بودن و نوآوری‌های بی‌وقفه عملیاتی

حیرت جهانیان را برانگیخت. همه با شگفتی سؤال می‌کردند چطور یک کشور مظلوم و تحت تحریم به توانایی‌ای رسیده است که سیته‌مسیته بزرگ‌ترین قدرت‌های جهانی ایستاده و از نبردی نابرابر، بیروز بیرون می‌آید.

امدادهای خداوند بزرگ و مقدرات الهی را نمی‌خواهیم بگوییم چون دشمن غدار نه به خدا اعتقاد دارد و نه دست برتر خدا را می‌بیند. همین دو تو ای ظاهری نتایج نبرد را بخواهیم در نظر بگیریم: بهت جهانیان، به‌ویژه ملت‌های جهان را برانگیخته است.

۴- ـــــ تزه، استراتژیست چینی ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در کتاب «هنر جنگ» می‌گوید: «پیرانِ کنند‌ترین حمله، حمله به استراتژی دشمن است.» این که راهبرد امام(ره) «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» بود.

این که امامین انقلاب در روشنگری ملت، نسبت به توطئه‌های دشمن روی واژه «آمریکا» و «رژیم صهیونیستی» به‌عنوان پربسامدترین کلمات تمرکز کردند تمرکز روی حمله و حمله به استراتژی دشمن است. اما هیچ حادثه نرم و سخت، رهبری انقلاب را از تمرکز روی توانمندسازی نیروهای مسلح دور نکرد.

اگر جنگ یک هفته دیگر طول می‌کشید دشمن در «زمین»، «هوا» و «دریا» آنچنان ضربه می‌خورد که چیزی از مفهوم «هیرپالیسم» در ابعاد سیاسی، نظامی و علمی باقی نمی‌ماند. اگر باور ندارید صحت این نظریه را در نبرد بعدی می‌توان مورد سنجش قرار دادا جنگ آمریکا با ملت ایران در ابعاد «فراترکیبی» تمامی ندارد.

بزرگ‌ترین دستاورد نبرد ۱۲ روزه با رسیافرین انسان‌های روی زمین، ضربه کاری به استراتژی دشمن بود. در نبرد بعدی خواهید دید از راهبرد دشمن چیزی باقی نخواهد ماند.»

محمد کاظم انبارلویی

اخبار سراسری

سرلشکر موسوی؛

بسیج، زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: بسیج یادگار ارزشمند و مقدس حضرت امام خمینی (ره) و از ثمرات گرانبهای انقلاب اسلامی است که برکات آن بر سطوح مختلف ملی و بین‌المللی، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در برگرفته است.

به گزارش پیام آشنا، سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی در جریان بازدید از سازمان بسیج مستضعفین اظهار کرد: ضمن عرض خداقوت و قدردانی از زحمات و تلاش‌های جهادی و فعالیت‌های خاصه‌اند آنان در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ضمن افتخار به بسیجی بودن خود، برای شهیدان والامقام بسیج آرزوی علو درجات از درگاه خداوند متعال دارم وی ادامه داد: بسیج همواره از بدو پیروزی انقلاب تاکنون در عرصه‌های مختلف باتندگی و اقتدار کشور حضوری سرافرازانه و مخلصانه داشته و پرچمدار و میدان دار نیازهای کشور در عرصه‌های مختلف بوده است. سرلشکر موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به جایگاه رفیع و والای این نهاد مقدس در جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: بسیج محوری‌ترین حرکت انقلاب اسلامی به سمت آرمان‌ها و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی است که آن شاءالله با تلاش خستگی ناپذیر و جهادی و حضور هوشیارانه و آمادگی روزافزون بسیجیان سرافراز و دلاور در دوران زعامت و فرماندهی فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خامنه ای عزیز مدظله العالی به منصه ظهور خواهد رسید.

مخالفت کشورهای عربی و اسلامی با طرح اشغال غزه

بیش از ۲۰ کشور عربی و اسلامی اشغال نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی را رد کرده و آن را تشدید خطرناک تنش‌ها دانستند.

به گزارش پیام آشنا، کشورهای عربی و اسلامی طرح رژیم صهیونیستی برای «اعمال کنترل کامل نظامی بر نوار غزه» را محکوم کرده و آن را «تشدید خطرناک و غیرقابل قبول و نقض قوانین بین‌المللی» دانسته‌اند. به نقل از سایت خبری التشرم در بیانیه‌ای که توسط بیش از ۲۰ کشور، از جمله مصر، عربستان سعودی، قطر، اردن، بحرین، ترکیه، امارات متحده عربی و عمان صادر شده است، اقدامات رژیم صهیونیستی «معادل جنایت علیه بشریت» از بین بردن هرگونه فرصتی برای دستیابی به صلح، تضعیف تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش تنش و پایان دادن به درگیری» دانسته شده است.